

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: راب گولند
برگردان از: آمادور نویدی
فرستنده: عثمان حیدری
۱۳ فبروری ۲۰۱۵

تجدید جنگ سرد

اجازه دهید یک چیز را روشن کنیم: جنگ سرد هرگز تمام نشد. حتی هرگز دور هم نشد، بلکه فقط برای مدتی تاکتیک عوض کرد. گوربچف کار را برای امریکا و دیگر امپریالیست ها انجام داد ولی آن ها فقط توانستند به عنوان قهرمانان صلح دوست روابط دوستانه بین تمام کشورها ژست بگیرند.



با این حال گوربچف اتحاد جماهیر شوروی را منحل کرد (علی رغم یک همه پرسی که به طور خاص این پیشنهاد را رد کرد)، در حالی که هر فرصت طلب خودکام در موضع قدرت یا بانفوذ، اموال عمومی را به عنوان مالکیت شخصی خود ضبط کرد، چه تکه بزرگی از صنعت نفت شوروی بود- یا در مورد گوربچف- مؤسسه لنین (گوربی آزرده شد چون مجبور شد کردند که مؤسسه لنین را پس دهد). (غربی ها گوربچف را گوربی می خواندند - م). اما گوربی تنها دزدی نبود که با اشتباهی زیاد مصمم به غارت دارائی های دولتی اتحاد جماهیر شوروی بود. وقتی که کار آن ها به پایان رسیده بود، و به جانشین گوربی، آن بوریس یتسین رشوه خوار و هم کارانش درب خروجی نشان داده شد، دارائی های از دست داده کشور بیش از خسارت ناشی از حمله نازی در جنگ جهانی دوم بود!

قدرت های امپریالیستی غربی در غارت عمده فروشی دارائی های ساخته شده در روسیه و اروپای شرقی تحت سوسیالیسم بشدت درگیر بودند. اختراعات و حق ثبت اختراعات (پاتنت ها)، اکتشافات علمی، کل واحد تحقیقات علمی به خارج برده شد تا برای سود دهی بهره برداری شود. این نیز مرحله ای از جنگ سرد، شکلی از تجاوز بدون تهاجم واقعی بود.

تغییر از یلتسین به پوتین و مدودیف در ابتداء مزاحمتی برای قدرت های غربی نداشت. آن ها فکر کردند که کسب و کار به طور معمول خواهد بود، اما طولی نکشید تا آن ها از درک حقیقت آگاه شدند. افسر سابق ک گ ب کابینه خود را با افسران سابق ک گ ب پر کرد، نماد ها و علائم شوروی را زنده کرد، و علیه برخی از الیگارش ها برای برگرداندن دارائی های غارت شده توسط آن ها اقدام کرد.

طولی نکشید که، خود پوتین به جبهه جدیدی در جهت تمديد جنگ سرد تبدیل شد. برای بدن ورزشی عضلانی خود مورد تمسخر و طنز قرار گرفت، و به طور هم زمان برای آن چه که تبلیغات غربی آن ها را نمایش «نوستالژی شوروی» نام گذاشته است مورد حمله قرار می گیرد. او بروشنی خوب آگاه است که روسیه، با از بین رفتن جمهوری های شوروی و هم چنین با تمام دارائی های به سرقت رفته قبلاً ذکر شده، همان ابرقدرت نیست که اتحاد جماهیر شوروی بود.

با این وجود، او روسیه را با دیگر اهداف جنگ سرد وصل کرده است، چین، در شماری از موافقت های منطقه ئی و بین المللی مستقیماً برتری امپریالیستی اقتصاد جهانی را به نبرد فراخوانده است: در رأس این ها گروه تجارت بریکس است که اقتصاد کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی را گرد هم می آورد.

در حالی که امریکا و متحدان ناتوئی اش مشغول حرکت دادن ارتش خود تا مرزهای روسیه – به مولداوا، اکراین، پولند، رومانی هستند – آن ها هم چنین برای محاصره چین، از افغانستان گرفته تا کوریای جنوبی و جاپان تلاش می کنند. این کشور دوم (جاپان) به درگیر شدن در قدرت نمائی علیه چین بر سر برخی از جزایر کوچک ناچیز تشویق شده است، در حالی که از شناسائی جنایات زمان جنگ خود علیه مردم چین به طور راسخ امتناع می ورزد.

در یک تاکتیک خاص جنگ سرد، نشریات اندیشکده برجسته امریکا مقالات تحریک آمیز ویژه ای بر روی «چرا امریکا باید با چین بجنگد» منتشر می کند، و رسانه های غربی به طور مداوم روی خطی که امریکا باید آماده دیدار ظهور «تهدید» چین باشد، تمرکز می کند. سرمایه گذاری چین در امریکا اغلب توسط کنگره امریکا مسدود می شود، حتی زمانی که کسب و کار امریکائی بشدت وابسته به تولید چینی است.

روسیه، چین و دیگر کشورهای بریکس این تجدید جنگ سرد را تنها منفعلانه تحمل نمی کنند: آن ها فعالانه با امریکا و شرکای اروپائی او مبارزه می کنند. بریکس بانک خود را برای حمایت از تجارت جهانی به کار انداخته است، که به عنوان آلترناتیو (جایگزین) بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، و نهادهای تابع آن می باشد که، همه اغلب به عنوان ابزار (یا ابزار بی پرده) امپریالیست های غربی هستند.

اقتصاد استرالیا بشدت وابسته به تجارت ما با چین است، اما امپریالیسم استرالیا با این حال مشتاقانه از آماده ساختن امریکا برای جنگ با نیروگاه آسیائی حمایت می کند. ارتش استرالیا به طور منظم با معادل امریکائی خود برای جنگ واقعی با چین بر سواحل چین جهت فرود آبی و خاکی تمرین می کند. در همین حال، آن ها با آماده ساختن عموم برای جنگ، به طور مداوم بر تبلیغات جنگ سرد، سر و صدا به راه می اندازند.

بررسی مالی استرالیا (استرالین فایننشال ریویو) در تاریخ ۵ جنوری ۲۰۱۵ در تشریح این تجدید جنگ سرد کمک قابل ملاحظه ای کرد: مأخذ از امریکا(پس کجا؟)، این آشکارا بررسی یک کتاب، کتاب جدیدی بود، چین ۱۹۴۵:

انقلاب مائو و انتخاب سرنوشت ساز آمریکا، توسط روزنامه نگار سابق تایمز، ریچارد برنشتاین. به هر حال، خصومت برنشتاین نسبت به این موضوع خود به گونه ای شدیداً افراطی است که کتاب یکرست بدترین افراطی تبلیغات جنگ سرد در سال های ۱۹۵۰ را در یک جا قرار داده است.

با چنین ناهنجاری به گونه ای می نویسد که: «مائو و ستالین، دو تا از بزرگترین استادان فریب اند که جهان تا کنون به خود دیده است». رئیس استثنائی چین، چوین نلای، نیز مورد حمله قرار می گیرد: «چوین در سال های ۱۹۲۰.... به عنوان رئیس یک تیم ضربت کمونیستی مدارس و مراحل ابتدائی را طی کرد». بیخشید؟ یک کمونیست چی؟ این دلقک جنبش ما را با آل کاپون- یا احتمالاً با رژیم بارک اوباما اشتباهی گرفته است.

بررسی مالی استرالیا با ادعای توهین آمیز می نویسد: «این مخلوط خیانت و جذابیت ویژه چوین بود که از او یک چنین شخصیت شیفته ای ساخت». بررسی مالی استرالیا هم چنین رئیس جمهور روسیه را «یک قاتل» می داند. به غیر از لقب دادن، مسیر اصلی این مقاله به تصویر کشیدن «تیره شدن» روابط آمریکا و چین است، با این ادعا که «نتایج نظر سنجی مرکز تحقیقات پیو نشان می دهد که نزول قابل توجهی را در نظرات «به نفع» امریکائی ها نسبت به چین نشان می دهد ... کسب و کار های امریکائی، که به مدت طولانی سنگر گرم احساسات برای دولت اقتدار گرا در سراسر پاسیفیک/اقیانوس آرام بود، نسبت به چین نیز در حال تیره شدن است، به گونه ای که دولت چین و عواملش فن آوری آمریکا را کش رفته و از تاکتیک های گوناگونی استفاده می کند - برخی از آن ها شل و ول - تا با رقابت، شرکت های آمریکا را از بین ببرد».

امتناع آمریکا در فروش تکنولوژی به چین (به همان صورتی که از فروش آن به اتحاد جماهیر شوروی امتناع کرد)، به نوبه خود یک تاکتیک جنگ سرد است.

اقدامات جنگ سرد- می خواهد محاصره باشد یا تبلیغات دروغ - برای تحریک مردم جهت نفرت و ترس مردم و به ویژه دولت کشور مورد هدف طراحی شده است. رهبران آن ها شرور و اهریمن هستند، فرهنگ آن ها به تمسخر گرفته شده، دستاوردهای آنان حقیر شمرده می شود.

و هدف هولناک آن است که مردم را برای قبول چشم انداز یک جنگ تمام عیار علیه رقبای اصلی امپریالیسم آمریکا آماده سازند.

درباره نویسنده:

راب گولند، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست استرالیا است.

برگردانده شده از گاردین: ارگان حزب کمونیست استرالیا، شماره ۱۶۷۰، صفحه ۱۰، ۲۸ ژانویه ۲۰۱۵.

یادداشت:

به ارتباط اصطلاح «جنگ سرد» بد نیست بیفزائیم:

این اصطلاح به همان اندازه که از یک جهت می تواند درست باشد، از جهات دیگر گذشته از غلط بودن، می تواند سخت ریاکارانه و عاری از حقیقت نیز باشد.

آن جایی که می تواند درست باشد، امتناع از تقابل مستقیم بین بلوک های قدرت امپریالیستی در نیمه دوم قرن بیستم است، یعنی این درست است که بین پیمان تجاوز گر «ناتو» و پیمان «وارسا» درگیری مستقیم و تقابل نظامی صورت نگرفت و در نتیجه خون اروپائی ها و امریکائی ها توسط همدیگر شان بر زمین نریخت؛ مگر از جانب

دیگر وقتی پای تقابل نظامی هر دو بلوک قدرت، با خلقهای سراسر جهان از امریکای لاتین و افریقای مستعمره گرفته، تا جنوب شرق آسیا و خاور میانه، صدای گلوله و پرواز بمب افکنها حتا برای یک روز و یک ساعت هم خاموشی نداشته است.

مبارزات آزادیخواهانۀ خلقهای افریقا و در پیشاپیش همه خلق الجزایر، کانگو، افریقای جنوبی، خلقهای شرق و جنوب شرق آسیا، کوریا، ویتنام، کامبوج و لاوس؛ مبارزات آزادیخواهانۀ و جانبازانۀ خلقهای فلسطین، ظفار و افغانستان؛ همه گواه آن است که هیچ گاهی چیزی به نام جنگ سرد و جود نداشته است، بلکه تمام آن دورانی که از طرف نویسندگان و خبرنگاران وابسته به هر دو بلوک قدرت، به تقلید از سیاستمداران جنایت پیشۀ آنها، به نام «جنگ سرد» مسما شده است، گرمترین و خونین ترین جنگها از طرف امپریالیزم جهانی- غرب و شرق- بر خلقهای امریکای لاتین، آسیا و افریقا اعمال شده و به ده ها میلیون قربانی بیگناه را نیز باخود داشته است. به همین اساس، ما را اعتقاد بر آن است که استفاده از این اصطلاح بدون تذکر لازم، گذشته از آن که همسویی و همزبانی با قدرتهای امپریالیستی و ماشین های دروغپردازی آنهاست، به نحوی بی احترامی به خون ده ها میلیون جانباز و شهید راه آزادی خلقهای امریکای لاتین، آسیا و افریقا نیز می باشد.

اداره پورتال AA-AA